

بیانیه پیرامون ارزیابی انتخابات

چهارمین دوره ریاست جمهوری

هموطنان عزیز:

از مدتی پیش روشن بود که مشکلات اقتصادی، اداری، اجتماعی، سیاسی و دینی کشور که مولود انحرافات است که به تدریج پس از پیروزی انقلاب پدید آمده است، بخش قابل توجهی از مردم را ناراضی ساخته و به طرف بی تفاوتی مهلکی سوق می دهد. همانطور که در نشریات اخیر گفته ایم در میان راه حل های پیشنهاد شده، کسانی نشستن و صبر کردن و یا امید به ابرقدرتها و خارجیان بستن را عنوان می نمایند که مفهوم آن تسلیم شدن به مشکلات و از خود سلب اختیار و اراده نمودن است. برخی دیگر خشونت و ترور و انفجار را پیشنهاد می کنند که نتیجه آن به خاک و خون کشیدن و لبنانی ساختن ایران می باشد. اما به نظر ما تنها راه نجات معقول و منطقی، قیامی خدائی و همگانی در چهارچوب قانون است که می تواند ملت را از این مهلکه نجات دهد. اعتقاد به چنین قیامی نهضت آزادی ایران را واداشت که از یک سال قبل مردم را به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دعوت کند و خود با معرفی کاندیدا فعالانه در این امر مشارکت نماید. اینک می خواهیم آنچه را در این انتخابات رخ داده است ارزیابی نموده از این تجربه برای بهبود آینده عبرت گیریم.

شرکت نهضت در انتخابات

در آبانماه ۱۳۶۳ نهضت با انتشار بیانیه «چه باید کرد» ملت را به قیامی قانونی و احقاق حق حاکمیت خود از طریق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دعوت نمود. متعاقباً فشار حاکمیت علیه نهضت تشدید یافت. حوادث ناگواری همچون حمله به شرکت کنندگان مراسم ۲۸ صفر نهضت و پرتاب بمب به منازل سران نهضت و یورش به دفتر مرکزی و مهر و موم نمودن آن و تشدید محرومیت نهضت از انتشار نظرات خود و عدم درج دفاعیات و پاسخهای ما در رسانه های گروهی از پیامدهای این دعوت بود. در برابر واکنش غیرقانونی و ضدملی حاکمیت، عکس العمل مردم به دعوت نهضت امیدبخش بود، جنب و جوشی در قشرهای مختلف پدید آمد و نهضت را به حقانیت راه خود مطمئن تر ساخت. به طوری که دبیرکل نهضت در تاریخ سی ام تیرماه نام نویسی نمود.

رای شورای نگهبان

نام نویسی آقای مهندس بازرگان شورای نگهبان را بر سر دو راهی سرنوشت سازی قرار داد که لازم بود میان حفظ قانون اساسی و حاکمیت ملت، یا حراست از حاکمیت موجود تصمیم بگیرد. شورا تحت تأثیر جو سیاسی حاکم راه دوم را برگزید و با زیر پا نهادن اصل ششم قانون اساسی که مقرر می دارد

باید اداره امور کشور به اتکاء آراء عمومی باشد و اصل پنجاه و ششم که اجازه نمی‌دهد هیچکس حق حاکمیت ملت را در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد، بدون ذکر دلیل صلاحیت کلیه نامزدهای ریاست جمهوری را رد کرده تنها سه نفر از اعضاء حزب حاکم را شایسته مقام ریاست جمهوری شدن اعلام نمود.

ما در نامه نهضت به شورای نگهبان و بیانیه مورخ ۶۴/۵/۱۷ نهضت آزادی علل اتخاذ تصمیم فوق و دلایل خلاف قانون بودن رأی شورای نگهبان را مشروحاً ارائه داده‌ایم و در اینجا به تکرار آن نمی‌پردازیم. به هر حال تصمیم شورای نگهبان مردم را بر سر دو راهی قرار داده که از یک طرف با فشارهای تبلیغاتی حاکمیت مجبور بودند در انتخابات شرکت نمایند و از طرف دیگر چاره‌ای جز رأی دادن به نامزدهای حزب حاکم نداشتند. این تصمیم شورای نگهبان در واقع روش حکومت‌های تک حزبی کشورهای کمونیستی را تداعی می‌نمود.

قبول صلاحیت سه نفر از اعضاء حزب حاکم با دیدگاه‌های اقتصادی راست‌گرایانه حتی جوانانی از جناح حاکمیت را که به عدالت اجتماعی دل‌بسته بودند، آزرده ساخت به حدی که در میان پتک و سندان اصرار رهبر انقلاب به شرکت در رأی دادن و انتخاب یکی از سه نامزد راست‌گرا، تصمیم گرفتند رأی سفید به صندوق بریزند. خبر این تصمیم فریاد وزیر کشور را بلند کرد که رأی سفید ریختن خطرناکتر از رأی به هویدا، بختیار و رضا پهلوی دادن است. تشخیص شورای نگهبان آنچنان غیر بیطرفانه و بدون بررسی‌های لازم بود که موجب اعتراض علنی یکی از اعضاء کابینه، البته پس از انجام انتخابات گشت. در هر حال این تصمیم شورای نگهبان اختیار انتخاب بمعنای واقعی را از مردم سلب نمود.

انتخابات در چه شرایطی صورت گرفت

اینک که غبار تبلیغات انتخاباتی فرو نشسته و طبق اظهار و آمار حاکمیت از جمعیت ۴۴/۵ میلیون ایرانی که طبق آمار رسمی بیشتر از ۲۵ میلیون آنان واجد صلاحیت رأی دادن هستند ۱۴/۲ میلیون نفر پای صندوق‌ها رفته و ۱۲/۱۶۴ میلیون به آقای خامنه‌ای رأی داده‌اند ما می‌توانیم به هفته گذشته برگشته نظری اجمالی به کیفیت و کمیت انتخابات بیندازیم.

الف) کیفیت انتخابات

همانطور که در نشریات گذشته نهضت آمده است ما مشروعیت انتخابات را در گرو تأمین آزادی، امنیت و امانت آن دانسته و مشارکت خود در رأی دادن را موکول به تحقق این شرایط نمودیم. حال که انتخابات انجام گرفته است بد نیست نظری به تحقق این شرایط بیفکنیم.

در مورد آزادی انتخابات، اشاراتی که در بیانیه نهضت در زمینه رد صلاحیت‌ها آمده است حدیث مفصل آزادی را به خوبی بیان می‌کند.

در مورد امنیت انتخابات تا آنجا که مربوط به نامزدهای مخالف و فعالیتهای انتخاباتی آنان می‌شود، با محروم ساختن قطعی آنها از شرکت در انتخابات مسئله منتفی گردید. اما در رابطه با انتخاب‌کنندگان، هیئت حاکمه حداکثر تلاش خود را به کار انداخت تا با تبلیغات ماهرانه و بهره‌گیری از احساسات مذهبی و نگرانی از تبعات بعدی مردم را به پای صندوقها بکشاند.

نمونه تبلیغات فوق عبارتند از:

«اگر کسی در انتخابات شرکت نکند بعدها برای خود جای اعتراض و گله‌ای باقی نخواهد گذاشت».

یا اینکه: «هر کس رأی ندهد مسلمان نیست».

و یا «شرکت نکردن در انتخابات و یا دادن رأی باطل سند خیانت آشکار به خون مقدس شهیدانی است

که برای تثبیت این نظام الهی به لقاءالله پیوستند»

و یا «قدم زدن برای رأی دادن به همان اندازه ثواب دارد که بین صفا و مروه قدم زده می‌شود».

به این ترتیب استفاده از یک حق طبیعی و قانونی یعنی رأی دادن صورت اجبار پیدا کرد. حتی دادن

رأی سفید به منظور امتناع از قبول کاندیداهای تحمیلی که کمترین حق شرعی و عرفی هر فرد در نظامهای

جمهوری و شورایی است از ملت سلب گردید. خصوصاً که اظهارنظرهای صریح مقامات بالای قضایی در

این زمینه تأثیر مستقیم در ارباب و اجبار برخی از مردم داشته و در دنیا بی‌سابقه می‌باشد.

در مورد امانت انتخابات، یعنی حفاظت آرا مردم و صحت گزارشهای رسمی ما هنوز نمی‌توانیم اظهار

نظر کنیم. البته در ملاقاتی که قبل از رد صلاحیت آقای مهندس بازرگان با هیئت مرکزی نظارت بر

انتخابات داشتیم، پیشنهاد نمودیم اجازه دهند نمایندگانی از ما حضور و همکاری داشته باشند ولی این

پیشنهاد مورد قبول واقع نگردید.

اما در باره تبلیغات انتخاباتی، معمولاً در نظامهای جمهوری و شورایی واقعی تجدید انتخاب

رئیس‌جمهوری فرصت مناسبی است برای مردم که با استماع نظرات موافق و مخالف به ارزیابی عملکرد

حاکمیت بپردازند و انتخاب واقعی بنمایند. برخورد آرا و عقاید در دوران انتخابات به ارتقای فهم و شعور

سیاسی مردم منجر می‌گردد. اما در این انتخابات چنین نشد. با محروم نمودن مخالفان حاکمیت از شرکت

در انتخابات، مردم از شنیدن نظریات مخالف محروم شدند. البته رسانه‌های گروهی مرتب اهمیت شرکت

مردم را در انتخابات گوشزد می‌نمودند. اما بحث بر سر موضوعات اصلی کمتر و یا بندرت صورت گرفت

از این جهت انتخابات فاقد تحرک و حیات بود.

برای درک اهمیت این مسئله کافی است به این نکته توجه شود که همین برخورد نسبتاً محدود و کنترل

شده نامزدهای حاکمیت بسیاری از مسائل را روشن نمود و موضع‌گیری‌های آنان باعث آن شد که مردم

تا حدی بدانند در چهار سال اخیر در کشور چه می‌گذشته است و بیانیه الجزایر که روزی سند افتخار بود

چنان وزر و وبالی گشته که هر کس آن را به دیگری حواله داده خود را غیرمسئول معرفی می‌کند. حال اگر

کسانی نامزد می‌شدند که سیاستهای حاکمیت را قبول نداشتند به طور قطع از بسیاری از اسرار پرده

برداشته می‌شد و ریشه بسیاری از مشکلات کشور را زیر خاک سانسور و اختناق بیرون می‌آمد.

ب) بررسی انتخابات به لحاظ کمیت

علیرغم بمباران شدید تبلیغاتی و صرف بودجه هنگفتی که به این منظور هزینه شد، بخش قابل توجهی

از شهروندان ایرانی راه خود را تشخیص داده و تسلیم تهدید و فشار تبلیغاتی و سیاسی نشدند. با آنکه از

آغاز فعالیت‌های انتخاباتی خطبا، گویندگان، فقهای شورای نگهبان و... همه اعلام داشتند که مشارکت مردم

در انتخابات همچون راهپیمایی روز قدس خواهد بود، روز رأی‌گیری از خلوت‌ترین روزهای تهران و تا

آنجا که ما می‌دانیم شهرستانها بوده نه از صفوف طولانی پیشگویی شده خبری و نه از جنب و جوشی که رسانه‌ها تلقین می‌نمودند اثری به چشم می‌خورد. برای کسانی که انتخابات گذشته جمهوری اسلامی را دیده بودند انتخابات چهارمین دوره خلوت‌ترین و سردترین انتخابات هفت سال اخیر بوده است.

نتایج آماري انتخابات تصوير روشني از واكنش مردم را نشان مي‌دهد.

ما در اینجا درصد آن نیستیم که درستی یا نادرستی آمار منتشر شده از طرف وزارت کشور را مورد بررسی قرار داده یا از ناهماهنگی‌هایی که در رسانه‌های گروهی در مورد این آمار آمده است سخنی به میان آوریم. کوشش ما در این است که نشان دهیم اگر هم این آمار صحت داشته باشد چه چیز را بازگو می‌کنند. بدین منظور مقایسه‌ای تحلیلی میان این آمار و آماري که از سه دوره گذشته ریاست‌جمهوری منتشر شده است انجام می‌دهیم.

در انتخابات دوره اول ۱۳۵۸ جمعیت کشور ۲۶/۹۴۹ میلیون و تعداد افراد واجد صلاحیت به رأی دادن ۱۹/۴۳۵ میلیون بودند. از این تعداد ۱۴/۱۴۷ میلیون نفر یعنی ۷۲/۷۸ درصد در رأی دادن شرکت نموده از آن میان ۱۰/۷۰۹ میلیون یعنی ۷۵/۷ درصد شرکت‌کنندگان و ۵۵/۱ درصد از واجدین صلاحیت به نفر اول رأی دادند.

در دوره دوم جمعیت به ۳۹/۳۳۶ میلیون و تعداد افراد واجد صلاحیت به رأی دادن به ۲۱/۲۴ میلیون نفر افزایش یافت که از این تعداد ۱۴/۷۲۳ یعنی ۶۹/۳ درصد در رأی دادن شرکت نمودند و ۱۲/۹۷ میلیون نفر یعنی ۸۸/۰۹ درصد از شرکت‌کنندگان و ۶۱/۰۶ درصد از واجدین شرایط به نفر اول رأی دادند.

در دوره سوم جمعیت کشور به ۳۹/۵۳۶ میلیون نفر و تعداد افراد واجد صلاحیت با تغییر حداقل سن از ۱۶ سال به ۱۵ سال به ۲۲/۴۴۷ میلیون افزایش یافته بود. در این دوره تعداد ۱۶/۸۴۸ میلیون نفر یعنی ۷۵/۰۵ درصد واجدین شرایط در رأی دادن شرکت نمود و ۱۶/۰۰۹ میلیون نفر یعنی ۹۵/۰۲ درصد از شرکت‌کنندگان و ۷۱/۳۲ درصد از واجدین شرایط به نفر اول رأی دادند.

در چهارمین دوره که اخیراً صورت گرفته است جمعیت کشور به ۴۴/۴۴۵ نفر و تعداد افراد واجد صلاحیت به ۲۵/۱۳۸ میلیون نفر افزایش یافته که ۱۴/۲ میلیون یعنی ۵۶/۴۹ درصد از واجدین شرایط شرکت نموده و ۱۲/۱۴۶ میلیون نفر یعنی ۸۵/۶۶ درصد از شرکت‌کنندگان و ۴۸/۳۹ درصد از واجدین شرایط به نفر اول رأی داده‌اند.

تعداد کسانی که در چهار دوره انتخابات فوق از رأی دادن خودداری کرده‌اند به شرح زیر بوده است:

دوره اول - ۵/۲۸۸ میلیون نفر

دوره دوم - ۶/۵۱۸ میلیون نفر

دوره سوم - ۵/۵۹۹ میلیون نفر

دوره چهارم - ۱۰/۹۳۸ میلیون نفر

ارقام فوق بیانگر آن است که بخش عظیمی از مردم بیش از دورانه‌های گذشته از شرکت در انتخابات اخیر امتناع کردند.

مقاومت بخش معتابهی از مردم در برابر فشارهای مذهبی و تهدیدها و جو تبلیغاتی و سیاسی حاکمیت و عدم مشارکت موثر آنان در انتخابات نشانگر این واقعیت است که پایگاه مردمی حاکمیت با سرعت

شتابگیرنده‌ای از دست رفته و منحنی آن با شیب بیشتری سقوط کرده است. دامنه موج نارضایی‌ها گسترده‌تر شده و سلاح تکفیر و تهدید کندتر گشته است. مسلماً اگر حاکمیت و شورای نگهبان دست از انحصارگری برداشته مانع شرکت مخالفان نمی‌شدند و اجازه می‌دادند انتخابات و اعمال حق حاکمیت مردم بر طبق موازین قانون اساسی جریان پیدا کند چنین گروه عظیم از مردم از رأی دادن امتناع نمی‌نمودند. به نظر ما این دلسردی نتیجه عمل خود دولتمردان است که با چنین عملکرد و چنان ادعای نابجائی به نظام جمهوری اسلامی لطمه زدند.

حاکمیت راهپیمائی روز قدس را که تظاهری از نفرت ملت ایران از صهیونیسم و مخالفت آنان با تجاوز بعثیان عراقی و دل‌بستگی‌شان به قبله اول مسلمین بود اهرمی برای تثبیت خود، تأیید سیاست جنگی، و تأکیدی بر داشتن پایگاه مردمی تلقی و تبلیغ نمود. راهپیمایان تهران را ۵ میلیون نفر و راهپیمایان ایران را ۳۰ میلیون قلمداد کرد.^۱

ما اولاً آمار و محاسبات و ارقام حاکمیت را خلاف واقع دانسته و به موقع با استدلالی ریاضی و منطقی نشان دادیم که چنین ادعاهائی حاکی از عدم درک سخنرانان از مفهوم اعداد و ارقام می‌باشد. به علاوه روشن ساختیم که این راهپیمائی اگر چه به دعوت یکی از مسئولین صورت گرفته است تأیید سیاست جنگی حاکمیت و صحنه نهادن بر مشکلات ناشی از جنگ، تورم، فساد و ... نیست.

در اینجا اضافه نمودن این نکته مفید است که اگر در روز قدس ۵ میلیون نفر تهرانی در راهپیمائی شرکت کردند و با این عمل سیاستهای حاکمیت را تأیید نمودند چه شد که در روز انتخابات تنها حدود یک سوم این جمعیت پای صندوقها حاضر شده و به رئیس جمهوری که در تدوین و اجرای این سیاستها دخیل بوده است رأی دادند؟ این پرسش در مورد سراسر ایران نیز صادق است که از سی میلیون نفری که به ادعای حاکمیت در راهپیمائی روز قدس حضور داشتند چرا کمتر از نصف در انتخابات شرکت نمودند.

هشدار به مسئولین

ما در اینجا مشفقانه، همچون گذشته، به حاکمیت هشدار می‌دهیم که اجازه ندهند پرده ضخیم تبلیغاتی که ساخته و پرداخته خود آنان است میان آنان و دیدن حقایق حائل شود و آنان را به خودفریبی بکشاند. تبلیغات می‌تواند برای مدتی برخی از مردم را سرگرم نگه‌دارد ولی آنچه ماندنی است تقوی و حقیقت است نه تبلیغات، و آنچه منشاء اثر است رضایت خدا و پشتیبانی مردم است نه ادعای آن. به کسی که از گرسنگی رنج می‌برد برای مدتی کوتاه می‌توان تلقین سیری کرد ولی سرانجام واقعیت خود را نشان می‌دهد و به ملتی که حق حاکمیت خود را از دست داده و در چنگ استبداد گرفتار است برای برهه‌ای از زمان می‌توان گفت که از نعمت آزادی و امنیت برخوردار است ولی به زودی چنگال مرگزای اختناق گلویش را می‌فشارد و فطرت خدادادش به فریاد می‌آید. چشمش باز می‌شود و پایش از رفتن پای صندوق باز می‌ایستد. اگر حاکمیت آمادگی پذیرش این واقعیت را نداشته باشد مردم بیش از پیش سرخورده و دلسرد

۱. جمهوری اسلامی شماره ۱۷۵۹ مورخ ۶۴/۴/۵ - از پیام رادیویی آقای هاشمی رفسنجانی به صوت‌المستضعفین لبنان در سوریه.

و مایوس خواهند شد، مشکلات بیشتر خواهد گشت، طپیدنهای دلها تبدیل به ناله و ناله‌ها به فریاد مبدل خواهد گشت و خدای ناخواسته به صورتی درخواهد آمد که نه از تاک نشان ماند و نه از تاک‌نشان.

سیاسگزاری از مردم

بخش عظیمی از ملت شریف ایران رشد سیاسی و فکری خود را در این انتخابات نشان دادند و با وجود تهدیدها و فشار شدید تبلیغاتی تسلیم نشدند و مخالفت خود با این روش‌ها را با مقاومت و مبارزه منفی آشکار ساختند.

آنان به جای خشونت و خرابکاری، قانون‌شکنی حاکمیت را با استفاده از حق مبارزه منفی (عدم مشارکت) پاسخ گفتند. استقامت ملت در این باره برای ما و همه آنان که به مبارزه قانونی در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی معتقدند امیدبخش است و به تهمت‌های کسانی که از خارج کشور با حاکمیت همصدا شده و خط‌مشی نهضت و سایر معتقدین به مبارزه قانونی را خائنانه می‌شمرند پاسخی دندان‌شکن داد.

استمرار راه نهضت

در اینجا قسمتی از «پیام امتنان و امید مهندس بازرگان» را که در این زمینه فرستاده‌اند بازگو می‌کنیم: «از این محرومیت و ممانعت نباید متأسف و مایوس بوده دست از مطالبه حق و حقیقت و از دعوت به خیر و خدمت برداریم یا از ادای وظیفه امر به معروف و نهی از منکر باز بایستیم رحمت خدا و حاکمیت فائقه او بر دنیا برقرار و استوار است.»

نهضت آزادی ایران با توکل به خدای بزرگ و اعتماد به تشخیص و همت ملت شریف ایران به راه پرافتخار خود در دعوت به خیر و انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ادامه خواهد داد و مبارزات خود را در چهارچوب قانون و مقررات اسلام اصیل پیگیری خواهد نمود.

نهضت آزادی ایران مطمئن است که وعده الهی در استخلاف مستضعفان و حسن عاقبت تقوی‌پیشگان تحقق خواهد یافت و بدین دلیل از درگاه ایزد متعال توفیق ایمان، تقوی، استقامت و توکل مسئلت می‌نماید.

نهضت آزادی ایران

۳۰ مرداد ماه ۱۳۶۴

جدول مقایسه آماری چهار دوره انتخابات ریاست جمهوری

ملاحظات	درصد نسبت به		آراء نفر اول (هزار نفر)	درصد نسبت به		تعداد شرکت کرده‌ها صلاحیت (هزار نفر)	تعداد شرکت کرده‌ها صلاحیت (هزار نفر)	تعداد واجدین صلاحیت (هزار نفر)	جمعیت (هزار نفر)	دوره ریاست جمهوری
	واجدین صلاحیت	شرکت کنندگان		کل جمعیت	واجدین صلاحیت					
۱۶ سال به بالا	۵۵/۱۰	۷۵/۷۰	۱۰۷۰۹	۳۸/۲۸	۷۲/۷۸	۵۲۸۸	۱۴۱۴۷	۱۹۴۳۵	۳۶۹۴۹	دوره اول بهمن ۱۳۵۸ (بنی صدر)
۱۶ سال به بالا	۶۱/۰۶	۸۸/۰۹	۱۲۹۷۰	۳۷/۴۲	۶۹/۳۰	۶۵۱۸	۱۴۷۲۳	۲۱۲۴۱	۳۹۳۳۶	دوره دوم مردادماه ۱۳۶۰ (رجائی)
۱۵ سال به بالا	۷۱/۳۲	۹۵/۰۲	۱۶۰۰۹	۴۲/۶۱	۷۵/۰۵	۵۵۹۹	۱۶۸۴۸	۲۲۴۴۷	۳۹۵۳۶	دوره سوم مهرماه ۱۳۶۰ (خامنه‌ای)
۱۵ سال به بالا	۴۸/۳۹	۸۵/۶۶	۱۲۱۶۴	۳۱/۹۴	۵۶/۴۹	۱۰۹۳۸	۱۴۲۰۰	۲۵۱۳۸	۴۴۴۵۵	دوره چهارم مردادماه ۱۳۶۴ (خامنه‌ای)

مآخذ:

۱- نشریه پیش‌بینی مقدماتی جمعیت ایران دفتر برنامه‌ریزی امور اجتماعی و نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه

۲- نشریات مرکز آمار ایران